

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

در علم اصول می گویند اگر یک طرف علم اجمالی خارج از محل ابتلا باشد علم اجمالی منحل می شود؛ در ما نحن فیه، ما احتمال می دهیم که تحریف یا در آیات الاحکام باشد (که مورد ابتلای مجتهد برای استنباط است) و یا در آیات معارف (خارج از محل ابتلا) لذا علم اجمالی منحل می شود.

داستان آموزنده: مرحوم آشیخ محمد تقی آملی در شرح منظومه در بحث معاد تمایل شدیدی به معاد روحانی پیدا می کند و بعد می فرماید: در این ساعت از شب من اینها را نوشتم اما انی آمنت بما جاء به محمد و آله محمد (معاد جسمانی) آقای وحید می گویند: منزل ایشان رفته و دیدم همین ها را می نویسد گفتم شما با این آیه چه می کنید؛ قل یحییها اول مره ... ایشان رفت وضو گرفت و آمد این جمله را نوشت.

آنچه مسلم است این است که کلام مرحوم محدث نوری در بحث تحریف اشتباه است؛ روایت تحریف یا ضعیف الدلاله هستند یا ضعیف السند.

ای کاش مرحوم آخوند از این بحث عبور می کرد ایشان در مباحث، وقتی از مباحث علم اصول خارج می شود می لغزد. من اگر احتمال بدهم از صد آیه از آیات الاحکام 20 آیه تحریف شده و همچنین می دانم که ممکن است از آیات معارف تحریف شده باشد. در این صورت ظهور ایجاد نمی شود؛ و این را باید بدانیم که بحث ظهورات با بحث های اصول عملیه خیلی متفاوت است.

اشکال مهم همان است که گفتیم باب ظواهر را با باب تکالیف در علم اجمالی تشبیه نباید کرد. مرحوم آخوند مطلبی را از ظهورات قرآن گفته است که مطلب پایانی مرحوم آخوند است: اگر در یک آیه دو قرائت مختلف داشتیم که مفادش قابل جمع نبود مجتهد چکار باید بکند؟ مثل آیه حتی یطهرن و یطهرن طبق اولی اینگونه معنا می شود: تا زن غسل نکند نمی شود با او نزدیکی کرد، بخلاف دومی که بدون غسل هم می شود با او مجامعت کرد. در این صورت باید مبنای علوم قرآن را در نظر بگیریم: اگر قائل باشیم قرائت 7 گانه متواتر از پیامبر رسیده است (تواتر قرائت) آیا قرآن هفت گونه نازل شده؟ یا نه یک صورت نازل شده اما 7 مدل در مقابل پیامبر خوانده شد ولی پیامبرگرمای چیزی نفرمودند، مثل مالک یوم الدین و ملک الیوم الدین...

آقای آخوند: اگر قائل به تواتر قرائت شویم همه قرائت حجت است و قابل تمسک می باشد اما اگر گفتیم تواتر ثابت نیست اما ما از معصومین دستور داریم که تمسک به هر کدام از این قرائت ها اشکال ندارد، در این صورت هم می شود به هر کدام خواستیم تمسک کنیم؛ مرحوم آخوند می فرماید: اما نه تواتر قرائت ثابت است و نه تمسک به همه قرائت... بلکه آنچه که ثابت است جواز قرائت است نه جواز اجتهاد؛ ولذا اگر قراء قرآن آیه را به دو مدل خواندند و ما می خواستیم اجتهاد کنیم به هیچ کدام نمی توانیم تمسک کنیم. مثلا در آیه حتی یطهرن... باید سراغ اصول عملیه برویم. در مقام، استصحاب حرمت داریم چون تا یک ساعت پیش نزدیکی حرام بود حال که پاک شده و غسل نکرده باز هم حرمت را استصحاب کنیم و همچنین می شود به آیه نساوکم حرث لکم انی شئتم... بکنیم یعنی تمسک به عام بکنیم.

در اینجا بین تمسک به عموم عام: انی شئتم و حکم خاص: استصحاب حرمت مردد هستیم.

سوال: چرا ما در اینجا ترجیحات باب اخبار را جاری نمی کنیم؛ مثل موافقت با شهرت و...

ایشان می فرماید: مرجحات باب تعارض فقط برای اخبار است و ما در اینجا تعارض قرائت داریم نه باب اخبار. (اشاره به رد

شیخ انصاری است)

مرحوم آخوند فرمود بنابر تواتر قرائات هر کدام از قرائات را خواستیم اخذ می کنیم. استاد علیدوست: در فرض تعارض قرائات چه کنیم؟ آیا هر دو را بگیریم؟!

اشکال مهم: مرحوم آخوند می فرماید مولفه های باب تعارض فقط برای باب اخبار است. استاد علیدوست: چرا این اختصاص را می دهید؛ اتفاقا برخی از این اخبار تعلیل دارند و تعلیلشان عمومیت دارد مثل فان الرشد فی خلافهم ... یا بگوئیم این قرائت برای ما روایت شده و لذا جزء باب اخبار است.

اگر مرحوم آخوند بگوید مراد من این است روایت امام را نقل بکنند. ما می گوئیم این قراء هم قرائات امام را نقل می کند.

الحمد لله رب العالمین